

تجلی ولایت خلیفه الله از منظر عرفانی امام خمینی (ره)

سلام اله کاظم خانی^۱خسرو ظفرنویایی^۲

چکیده

بر اساس بینش عرفانی انسان کامل آئینه تام و تمام خداوندی و مبین یک موجود کامل است که اراده شهود ذاتی، صفاتی و افعالی خداوند را جلوه گری می‌کند و در واقع تجلی اسما و صفات الهی است. از این روست که می‌توان از انسان کامل به تعبیری به خداگونگی تمثیلی نام برد به این معنا و مفهوم که اگرچه او خدا نیست و شانیت و فعلیت رب العالمین را ندارد، ولی به سبب استخلاف الهی و خلیفه ویژه بودن خداوند در جهان هستی دارای ویژگی‌ها و برجستگی‌های نابی است که به حق می‌توان او را جانشین شایسته پروردگار عالم در جهان دید.

این مقاله بر این فرض استوار است که از منظر حضرت امام خمینی (س) می‌توان یک خداگونگی تمثیلی برای انسان کامل در جهان استنباط و استخراج کرد که از مجرای آن انسان کامل می‌تواند در امور عالم دخل و تصرفی نماید. از این رو برای رسیدن به این موضوع در ابتدا لازم است که این مقوله به صورت اجمال از منظر عرفا و اندیشمندان عرفان اسلامی به بحث و بررسی گذارده شود و سپس به بیان و بررسی اندیشه امام خمینی (س) در این زمینه پرداخته شود.

کلید واژه‌ها:

اراده، امام خمینی (س)، انسان کامل، تصرف، مشیت.

^۱ - دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - استادیار گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پیشگفتار

موضوع تجلی ولایت خلیفه الله یکی از مهم ترین مباحث در عرفان نظری است به نحوی که می توان آن را بعد از موضوع توحید که نقطه ثقل و مرکز عرفان اسلامی است، تجلی از اندیشه ها، اساسی و محوری عرفان است. قوام عرفان به تجلی است. اگر حق تجلی نمی کرد و هم چنان « کنز مخفی» می ماند اعیان در عالم علم و احکام شان در عالم عین آشکار نمی شد و تعیین نمی یافت لذا حق جلوه کرد و ظهورش به تمامی اظلال امتداد یافت و جهان معنای خود رابه دست آورد و نظام عالم بر پا گردید: *الم تر الی ربک کیف مد الظل، ندیده ای که پروردگار تو چگونه سایه را می کشد؟* (فرقان: ۴۵)

دومین بحث مهم در این زمینه به حساب آورد، از این رو عارفان، در باب آن بسیار سخن گفته و می گویند، اگرچه بحث موضوعی پیرامون انسان کامل از جمله مباحث عمیق و دقیق در عرفان اسلامی است ولی این امر فقط بعد عرفانی ندارد و حتی از جهاتی می توان آن را از بعد فلسفی مورد بحث و بررسی قرار داد که در اینجا جای پرداختن به این بحث نیست.

بحث پیرامون انسان کامل نه تنها محدود به عرفان و حتی اسلام است، بلکه در میان صاحب نظران غربی نیز دارای اهمیت و اعتبار است تا جایی که پیرامون آن در مراکز پژوهشی و تحقیقاتی غرب نیز تحقیقات گسترده ای انجام گرفته است (لاندمان، ۱۳۵۰: ۸۷).

از منظر اهل عرفان، انسان کامل از یک طرف آئینه تمام و تام ذات حق تعالی و از سوی دیگر معیار و الگو برای سایر انسانهاست چرا که این انسان مبین اراده ذاتی خداوند و نماینده صفات و اسما قدسی او برای تمام ارکان و اجزای عالم است و مظهر تجلی اسما و صفات الهی در قالب و کالبد انسانی است. می توان به دو صورت ضرورت وجود انسان کامل را در جهان هستی تبیین و توجیه کرد، در وجه اول این امر به ضرورت تحقق هدف نهایی آفرینش برمی گردد و در وجه دوم می توان این گونه بیان داشت که از آنجایی که در عالم، تنها انسان کامل است که می تواند جلوه گاه خداوند باشد به تعبیر حضرت امام خمینی (س)، انسان کامل جانشین اعظم و واسطه فیوضات خداوندی به عالم و جهان هستی است در وجه سوم که مهم تر از تمام این موارد است، این است که حفظ نظام هستی در سایه و اعتبار وجود انسان کامل تحقق و تجلی می یابد، چرا که انسان کامل به سبب برخورداری از خلافت و ولایت خداوندی، با عالم و آدم معیت تام و تمامی داشته و دارد از این رو می تواند در همه جنبه های وجود سیر نموده و در جمیع حقایق تجلی یابد. فیض انسان کامل به تمام جنبه های هستی تعلق گرفته و می گیرد و هر موجودی در این جهان پهناور در حدود استعداد

ذاتی و توانایی خویش می‌تواند از کمالات او برخوردار گردیده و در مسیر کمال خود گام بردارد. از طریق انسان کامل و به واسطه او جهان بقا و تداوم یافته و در واقع این انسان کامل است که متجلی دهنده فیوضات الهی بر همه مظاهر عالم است و این ارزش و اعتبار نه تنها در واسطیت این فیوضات، بلکه قوس و صعود جهان را مشتمل و شامل می‌گردد.

بر مبنای این رهیافت است که انسان کامل خلیفه و کون جامع عالم است از اعتبار همین جامعیت و شمولیت به معنای والای انسان کامل رسید که به جرات بیان داشت که تمام حقایق هستی پنهان و مستتر در وجود اوست. به همین جهت نسفی معتقد است که: انسان کامل خلاصه و چکیده تمام انسانهاست (نسفی، ۱۳۵۰: ۶).

از منظر امام خمینی (س) این مساله دارای ارزش و اعتبار فراوانی است، شاید بتوان گفت که بعد از محی الدین ابن عربی که پایه گذار و بنیانگذار بحث انسان کامل در مباحث عرفانی بوده است، امام خمینی (س) از جمله عرفا و صاحب نظرانی است که در این زمینه بیشترین بحث و نظر را داشته اند تا جایی که می‌توان بیان داشت که نظرات و اندیشه‌های ایشان در این خصوص به نوعی مکمل و استكمال دهنده آرا و نظرات پیشینان بوده است. در اهمیت و ارزش انسان کامل از منظر امام خمینی (س) همین قدر بس که ایشان معتقدند که نقطه شروع راه توحید و خداشناسی، معرفت به خداوند عز و جل است، و این معرفت برای کسی حاصل نمی‌شود مگر اینکه انسان کامل را شناخته باشد زیرا انسان کامل متجلی دهنده ذات، صفات و اسما خداوندی در خود است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۵۱). و در جای دیگر در باب اهمیت و ارزش انسان کامل قائل بر این امر هستند که ظهور و تعینات بسیار در همه زمانها و مکانها دارد (همان، ۳۹-۶۱).

بر این مبنا و اساس است که ضرورت وجودی انسان کامل در جهان از منظر امام خمینی (س) عینیت و فعلیت می‌یابد چرا که از یک طرف به ضرورت تحقق علت اصلی و تامه آفرینش و هستی بر می‌گردد و از طرف دیگر این انسان کامل فیوضات خداوندی به عالم و آدم است و از آن مهم‌تر این که حفظ و قوام نظام هستی در پرتو وجودی او تحقق می‌یابد. از این روست که می‌توان برای انسان کامل یک خداگونگی تمثیلی در نظر گرفت، به این مفهوم که او متجلی کننده خلافت الهی، آئینه تمام نمای خداوند است، او را می‌توان محل ظهور و بروز الله دانست و در یک کلام او را می‌توان جان جهان محسوب کرد، به نوعی که کل هستی، به منزله بدن او محسوب گردیده، از این رو می‌تواند و قادر است تا هر نوع دخل و تصرفی به اذن الهی در عالم داشته باشد. انسان کامل به سبب برخورداری از این خداگونگی تمثیلی، با عالم و آدم ارتباط داشته و می‌تواند در تمام مراتب وجود سیر و سیاحت نماید و در جمیع حقایق تجلی و ظهور یابد. فیض او به همه عالم تعلق داشته

و دارد و هر موجودی در محدوده استعداد خویش می‌تواند از کمالات انسان کامل برخوردار گردیده و بهرمنند شود.

با توجه به این توضیحات می‌توان چنین بیان کرد که خداگونگی تمثیلی انسان کامل که مورد تحقیق پژوهش این مقاله است، به این معناست که از آن جایی که انسان کامل مظهر اسم اعظم خداوند و در برگیرنده جمیع اسما و صفات اوست که در دامنه جهان و آفاق گسترش یافته و فیض بی‌متهای رب العالمین به آن وجود بخشیده است، پس می‌توان به نوعی برای او شایستگی چون خداگونگی تمثیلی در نظر گرفت که اگر چه نمی‌تواند تکیه بر جایگاه خداوند بزند ولی می‌تواند به اذن و اراده او در جهان هستی دخل و تصرف داشته باشد و خلیفه و نماینده او در این جهان و سایر جهان‌های مربوطه باشد.

خداگونگی تمثیلی خلیفه الله از منظر عرفا

در اینجا و به مقتضای بحث، به بررسی این مقوله از منظر عرفا می‌پردازیم و مواردی که موید این امر است به صورت اجمالی و مختصر در ذیل بیان می‌نماییم.

خلیفه الله، تجلی تمام اسما و صفات الهی

یکی از مواردی که می‌تواند خداگونگی تمثیلی انسان کامل را در منظر عرفا بیان کند، تجلی تام ذات الهی است. اصولاً باید توجه داشت که در عرفان اسلامی ذات قادرمتعال، هویتی مطلق است که این اطلاق وصف و قید او محسوب نمی‌شود، بلکه به عنوان مشیری که از عدم محدودیت و تعیین آن اطلاع می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۵).

از این رو توحید ذاتی، در واقع شناخت ذات خداوند نیست امری محال است و حقیقت آن برای هیچ کس مشخص و روشن نیست، مبین معرفت نسبتی بین شناسنده و شناخته شده می‌باشد، حال آن که در آن مقام همه نسبتها ساقط می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۳۵-۳۶). در تبیین این مساله سید حیدر آملی (ره) معتقد است که دلیل این امر بزرگ بودن ذات الهی است که موجود را هیچ راه احاطه ای بر آن نیست (آملی، ۱۳۸۱: ۵۲).

ولی از طرف دیگر خداوند متعال به سبب حب ذاتی که اشتیاق پیوسته به امر ظهور دارد (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). بر اساس این حب ذاتی است که برای ظهور و بروز اسمای الهی و اسرارخداوندی خلیفه ای تعیین می‌گردد (امام خمینی(س)، ۱۳۸۲: ۳۰).

این خلیفه همان انسان کامل است. به همین سبب انسان کامل دارای جامعیتی است علت اصلی و هدف غایی آفرینش است چرا که او نقطه واحدی است که در واقع مبدأ تمامی کائنات و نهایت

همه موجودات است (همدانی، ۱۳۷۰: ۱۸۶-۱۸۹).

از این رو وجود انسان کامل دارای اعتدالی تام و تمام است ((و علم آدم الأسماء کلها)) (بقره: ۳۱). و در واقع مبین تمام اسما حسنی و مبدا همه احکام و جویی می باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۹۳۷) لذا همگی اسما و صفات الهی در او متجلی است (آملی، ۱۳۸۱: ۳۵۵).

انسان کامل را می توان بزرگ ترین آیه و مظهر اسما و صفات الهی به حساب کرد و از این رهگذر یک خداگونگی تمثیلی برای او بیان کرد لذا از یک برتری ذاتی نسبت به سایر موجودات و آدمیان برخوردار است و در واقع به مفهوم یک آیت و نشانه ای از سوی خداوند است. اگر چه همه ذرات موجود کائنات متجلی دهنده، انوار و رشحات الهی هستند، ولی هر یک به اندازه وجود محدود خویش متجلی اند در حالیکه انسان کامل حقیقی است که ذات بی منتهای خداوند را در دریای بی کرانه وجودی خود جلوه گر است از این رو او کون جامع حق تعالی است و خداوند او را به صورت خویش آفریده و او را جلوه تفصیلی ذات، اسما و صفات خویش قرار داده است. در واقع او ظهوری از ظهورات بی کران الهی است (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۷۳).

خلیفه الله، اسم اعظم الهی و به مثابه حلقه اتصال

یکی از موارد دیگری که می تواند خداگونگی تمثیلی انسان کامل را در منظر عرفا بیان کند، اسم اعظم الهی بودن و به مثابه حلقه اتصال هستی با خداوند توسط انسان کامل است. در اهمیت اسم اعظم همین قدر بس که اولین حقیقتی که از تجلی فیض الهی در عالم ربوبیت تعیین پیدا می کند، اسم اعظم خداوند است، اسم الله که در برگزیده تمامی اسما و صفات خداوند است، به نحوی که در تمام اسماء تجلی می یابد و دیگر اسما می خداوند در واقع مبین ظهور اسم اعظم است چرا که این اسم باطن آنهاست (حسینی شاهرودی، ۱۳۸۹: ۹۹). و اسم کامل دارنده و حامل این اسم بزرگی الهی است، از این رو از دیدگاه ائمه معصومین (ع) اسم اعظم مظهر و تجلی بی واسطه خداوند است چرا که فیض الهی در ابتدا به وجود انسان کامل می رسد و سپس از طریق وجودی او به دیگران افاضه می گردد، از سوی دیگر یکی از علل ضرورت وجود انسان کامل، او میان عالم وحدت با عالم کثرت است (مجلسی، ۱۳۰۹: ۸۷ / ۱۹۹). از یک دریچه دیگر می توان به ارتباط میان عالم و انسان کامل پی برد و تفاوت آنها را دریافت و آن اینکه بر طبق مسلمات عرفانی جهان هستی تنها نمایانگر وجه تفصیلی اسما و صفات خداوندی است، ولی انسان کامل این کثرت را در شکلی واحد نشان می دهد. از این رو هم چنان که او مظهر و نمایانگر وجه تفصیلی خداوند است، مبین و نشانگر ظهور واحدیت و احدیت او نیز می باشد. در واقع می توان چنین بیان داشت که جهان هستی عالم کثرات است و انسان کامل، عالم وحدت کثرات می باشد. لذا او هم وحدت ناماست و هم کثرت نما

(جندی، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

خلیفه الله غایت آفرینش

از دیگر مواردی که می‌توان خداگونگی تمثیلی خلیفه الله را بیان کرد، غایت آفرینش بودن انسان کامل است چرا که تمامی اسما و متجلی است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۲، ۴۶۸). از این رو انسان کامل هدف اصلی آفرینش است و این همان الغایه القصوی من الخلق است که ابوالعلا عقیلی در شرحی که بر فصوص الحکم ابن عربی نوشته است از آن یاد کرده است (عقیلی، ۱۳۷۰: ۱۲) به عبارت دیگر می‌توان در تعبیری دیگر چنین بیان داشت که زمانی که خداوند اراده نمود تا خود را بشناساند، انسان کامل را آفرید و از این رو می‌توان گفت که به طفیلی انسان کامل بود که جهان را خلق نمود (جامی، ۱۳۷۰: ۱۰۰).

از این رو از انسان کامل به نگین خاتم آفرینش ذکر می‌شود چرا که منزلت و مقام انسان کامل در عالم هستی به مثابه نگین انگشتی می‌باشد که نقش آن اسما و صفات الهی است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۲۰).

بر همین سبب است که انسان کامل که به صورت ظاهر مبین مجموعه ای از همه عوالم خلقت است، در حقیقت نماینده ذات و متجلی کننده خداوند است. در یک عبارت خلاصه تر می‌توان گفت که همه عوالم، صورت تفصیلی خداوند است و انسان کامل صورت جمعی او می‌باشد. لذا در بسیاری از مباحث عرفانی از انسان کامل به عنوان روح و جان هستی یاد می‌گردد که ابن عربی در این باره مشهودتر از دیگران سخن گفته است. از این رو می‌توان گفت که انسان کامل، در واقع روح و جان هستی می‌باشد و همان طوری که روح در بدن آدمی سبب حیات و بقاست و ارتباط آن با بدن در واقع یک رابطه تدبیری است چرا که اعضا و جوارح انسانی ابزار تدابیر روحی اند، انسان کامل نیز همانند روحی برای این جهان است که امورات را تدبیر کرده و در واقع همه جهان همانند اعضا و جوارح برای او هستند (ابن ترکه، ۱۳۶۰: ۲۱۵). لذا از او به عنوان غایت الغایات یاد می‌شود چرا که او تنها آفریده ای است که غایت و نهایت و خلقت جهان می‌باشد. انسان کامل مقصود آفرینش بوده و در واقع به وجود اوست که اراده الهی در هستی تحقق می‌یابد (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۳۵).

از این رو انسان کامل، مایه حفظ دنیا است چرا که او علت بقای جهان است و تا سایه و حیات انسان کامل بر سر این جهان است، عالم و خزینه‌های الهی برقرار هستند. از این رو زمانی که او از این دنیا رخت برمی‌بندد و راهی جهان عقبی می‌گردد، همه کمالات و معانی هستی نیز با او همسفر گردیده و رهسپار آخرت می‌شوند (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۱۵۴).

خلیفه الله از منظر امام خمینی (س)

امام خمینی (س) در باره انسان کامل و ویژگیهای او دارای نظرات و اندیشه‌های است که بسیار مبسوط و گسترده است که در ذیل به پاره ای از آنها به صورت اجمال و اختصار اشاره می‌نماییم.

جایگاه خلیفه الله

حضرت امام خمینی (س) انسان کامل را آئینه شهود حق می‌دانند «انسان کامل همچنان که آئینه شهود حق است و حق ناماست، آئینه شهود تمام عالم هستی نیز می‌باشد» (امام خمینی (س)، ۱۴۱۰: ۵۹ - ۶۰). و صورت حق و نمایانگر جمیع اسمای حسنی خداوند (امام خمینی (س)، ۱۳۷۶: ۱۱۰). و اولین حقیقتی که در عالم موجود شد (همان، ۱۲۸). از این رو آن تام ترین کلمه خداوندی بیان می‌کند (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۵۴). از منظر امام خمینی (س) انسان کامل نسا عظیم است (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۵۶). و از طریق و به واسطه اوست که دایره وجود به منتهای خود می‌رسد (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۵۵). ارزش و اهمیت انسان کامل تا آنجاست که تجلی خداوند در او، بدون هیچ واسطه هیچ صفتی یا حتی اسمی است (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۷۴). هیچ یک از اسمای الهی بر او غلبه و تصرف ندارند (امام خمینی (س)، ۱۳۷۳: ۵۳).

امام خمینی (س) بر این باور هستند که عین ثابت انسان کامل، سیادت و برتری بر سایر اعیان ثابته دیگر دارد از این رو نسبت میان عین آنها مثل نسبت بین اسم اعظم خداوند با اسمای دیگر است لذا همچنان که اسم اعظم خداوند در هیچ آئینه ای رخ نمی‌نماید به اصطلاح عرفانی به هیچ تعینی متعین نمی‌گردد و به سبب جلوه در همه مراتب اسمایی ظاهر گردیده و تابش نور او در همه ابعاد و عرصه‌ها بازتاب می‌یابد و در واقع جلوه تمامی اسماء الهی، بسته به جلوه آن می‌باشد، از این رو انسان کامل دارای احدیت جمع اسما و نماینده حضرت احدیت جامع است (امام خمینی (س)، ۱۴۰۶: ۶۸).

لذا انسان کامل، با عنایت به اینکه از سویی به سبب نمودها و ویژگی‌های بشری اش که یکی از آنها مرگ و موات است، می‌میرد از سوی دیگر به سبب نمودها و ویژگی‌های الهی زنده می‌گردد و در اختیار خداوند قرار می‌گیرد، از این رو خداوند در قلب انسانهای کامل تجلی می‌یابد و این تجلی خود از راههای تربیت و تدبیر است تا قلب انسان کامل در این مقام، بنده مولای خود یعنی خداوند گردد (امام خمینی (س)، ۱۳۷۳: ۵۳ - ۵۴).

با این همه لطف و عنایت که خداوند به انسان کامل دارد ولی با این حال او نمی‌تواند کاری را از سوی خود و به واسطه نفسی خود انجام دهد، چرا که کار او، کار خداست، از این روی، افعال او، در چنبره زمان و مکان قرار نداشته و ندارد و می‌تواند همراه با طی مکان و بسط زمانی باشد. بر این

اساس می‌توان گفت که همه عوالم در برابر انسان کامل، خاشع و فروتن می‌باشند، به دلیل اینکه اسم اعظم خداوند در اختیار اوست (امام خمینی(س)، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

بنابراین تجلیگاه خداوند انسان کاملی است که این انسان مظهر اسما و صفات الهی است از این رو در نظام هستی و کائنات دارای جایگاه محوری هست؛ به نحوی که عالم و آدم در ذیل حقیقت او تعریف پذیر، تحقق پذیر و تکامل پذیر می‌گردند و هیچ موجودی را امکان و مجال آن نیست که به کمال امکان و نوعی او برسد، مگر اینکه از خلال واسطه فیض وجودی انسان کامل و سبب او به این کمال راه یابد.

ضرورت وجود خلیفه الله

متکلمان اسلامی با تکیه به قاعده لطف و بیان ثمرات و آثار بعثت انبیا و اولیای الهی، به بیان ضرورت وجود پیامبر(ص) و امام(ع) را که در حکم انسان کامل اند، پرداخته اند. فلاسفه نیز با بیان اینکه رسیدن انسان به کمالات نیازمند به وجود پیامبران و امامانی است که آدمی را از ظلمت به سوی نور هدایت کند، به بیان ضرورت وجود انسان کامل که همانند پیامبران الهی و امامان هدایت هستند استدلال نموده اند (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۳: ۴۴-۵۱).

از منظر امام خمینی(س)، ضرورت وجودی انسان کامل برای بیان کردن اسما و صفات الهی است و چرا که تنها او است که این قابلیت را دارد که مظهر اسم اعظم الهی واقع گردد و جمع کننده بین مظهریت ذاتی و مظهریت اسماء، صفات و افعال باشد و از طرف دیگر قادر است که بین حقایق وجودی و وجودی و میان نسبت‌های اسمای خداوندی از یک طرف و حقایق امکانی از طرف دیگر جمع حاصل کند (امام خمینی(س)، ۱۳۶۸: ۶۹).

بنابراین، از منظر امام خمینی (س) انسان کامل جامع بین جمیع موارد بوده و محیط بر همه مسائلی است که در نظام هستی تحقق و جریان دارد (امام خمینی(س)، ۱۳۷۲: ۶۳۴).

امام خمینی(س) در باب ضرورت انسان کامل معتقدند که آفرینش جهان و هر آنچه که در آن هست برای انسان کامل است و از این رو عالم ملک مقدمه وجود انسان کامل است (امام خمینی(س)، ۱۳۷۰: ۲۶۲-۲۶۳).

این همان ضرورتی است که نه تنها مورد تایید امام خمینی(س) بلکه مورد تایید عرفا و پژوهشگران این عرصه بوده است چرا که وجود انسان کامل در نزد اهل بینش، دارای افق والایی است که مقصود از خلقت انسان کامل، را ظهور تام خداوند را در یک مظهر کامل می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۵۶۹).

ویژگی های شخصیتی خلیفه الله

از مهم ترین ویژگیهای شخصیتی انسان کامل می توان به سیر و سلوک که در واقع سفرهای اوست، اشاره کرد این مساله اسفار خود همواره یکی از مهم ترین بحثهای عرفانی بوده است، مراتب اسفار انسان کامل امام خمینی (س) به خوبی و شایستگی تبیین نموده اند که در واقع شرح و بسطی بر تقریرات محیی الدین ابن عربی در این زمینه است همان بحث معروف اسفار اربعه (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۳۰۸).

امام خمینی (س) اسفار اربعه را براساس بینش عرفانی خود چنین بیان کرده اند « از نظر من سفر اول از خلق به سوی حق، مقید است به رفع حجاب امکانی و رؤیت جمال حق با ظهور فعلی اش که درحقیقت، ظهور ذات در مراتب اکوان است سفر دوم نیز که از حق مقید آغاز شده و به حق مطلق می رسد تمام هویت وجودی در نزد او نابود شده و همه تعینات امکانی در او مستهلک می شود با ظهور وحدت، تمام قیامتش برپا شده و حق برای او با مقام وحدانیتش تجلی می کند، هرگز اشیاء را ندیده و از ذات و صفات و افعال او فانی می شود اگر توفیق و عنایت الهی شامل او شد سفر سوم را آغاز می کند که از حق به سوی خلق به حق است؛ یعنی از حضرت احدیت به حضرات اعیان ثابته سفر می کند که در این هنگام حقایق اشیاء و کمالات آنها برای او کشف می شود بالاخره سفر چهارم را آغاز می کند که سفر از خلقی است که حق است؛ یعنی از اعیان ثابته به سوی اعیان خارجی به حق؛ یعنی به وجود حقانی آن سیر می کند، در حالی که جمال حق را در همه چیز مشاهده می کند» (امام خمینی (س)، ۱۳۶۸: ۸۸-۸۹).

هم چنین از دیگر ویژگیهای انسان کامل از منظر امام خمینی (س) ترک خودخواهی و خودپرستی و خلاصی کامل از آن است (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۱۳۷۸).

ایشان در توضیح این مطلب بیان می فرمایند که اگر انسان کامل را به صورت کتاب در نظر بگیریم، در واقع خود قرآنی است که دارای سوره ها و آیه ها خواهد بود (امام خمینی ۱۴۰۲: ۱۲۵) از این رو امام خمینی (س) معتقدند که هماهنگی انسان کامل به مثابه کتاب تکوین و قرآن کریم به عنوان کتاب تدوین به نحوی است که می توان بیان داشت که قرآن مبین وجود کتبی انسان کامل است، در حالی که انسان کامل مبین وجود تکوینی قرآن است (همان، ۱۳۷).

مقامات خلیفه الله

پیرامون مقامات انسان کامل نظرات متفاوت و فراوانی در کتب عرفانی وجود دارد. جوادی آملی در این باره می گوید « مرتبه انسان کامل عبارت است از جمع جمیع مراتب الهیه و کونیه از عقول، نفوس کلیه و جزئیه و مراتب طبیعت تا آخرین تنزلات وجود و این مرتبه را مرتبه عمائیه

نیز می‌گویند، از برای مشابهت این مرتبه به مرتبه الهیه و فرق میان این دو به ربوبیت و مربوبیت است و لهذا سزاوار خلافت حق و مظهر و مظهرِ اسما و صفات مطلق او است « (جوادی آملی، ۱۳۶۷: ۶۳).

امام خمینی (س) نیز در بیان مقامات انسان کامل بر این عقیده هستند که جمیع مواردی و مقاماتی که برای یک انسان متصور است و وجود دارد در انسان کامل مصداقیت و تامیت دارد. (امام خمینی (س)، ۱۳۶۹: ۳ - ۴).

مصداق خلیفه الله

مصداق خلیفه الله از منظر امام خمینی (س) نبی مکرم اسلام (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س) ائمه معصومین (ع) و اولیای الهی هستند که در اینجا به صورت مختصر و اجمال به آنها اشاره ای می‌نماییم.

اولین مصداق اتم و اکمل انسان کامل نبی مکرم اسلام (ص) است که همواره از نظر اهل عرفان و طریقت اسلامی به عنوان مهم ترین و برجسته ترین انسان کامل همواره مطرح و مورد مذاقه بوده است، تا جایی که جیلی به عنوان یکی از اندیشمندان و پژوهندگان در این عرصه درباره که پیامبر اسلام (ص) مصداق بارز و عینی انسان کامل است چنین می‌نویسد « این باب (شصت) درباره انسان کامل یعنی حضرت محمد (ص) است و ایشان مصداق انسان کامل و سایر انبیا و اولیا از باب الحاق کامل به اکمل به او ملحق هستند در نوشته‌های من نیز هرگاه لفظ انسان کامل به طور مطلق به کار رفته مراد حضرت محمد (ص) است زیرا در این نامگذاری اشاره‌ها و حقایقی نهفته است که اسناد آنها به غیر آن حضرت روا نیست اوست که به اتفاق همه مصداق انسان کامل است و انسان کامل در همه هستی یکی بیش نیست، لکن از جلوه‌های متعدد برخوردار است و در هر زمان از او به نام خاصی یاد می‌شود» (جیلی، ۱۳۹۲: ۴)

از منظر امام خمینی (ره) امام علی (ع) هم یکی از انسانهای کاملی است که در واقع نقطه ابتدایی توحید است « انسان کامل یعنی وجود مبارک علوی - علیه الصلوٰه السلام به همان نقطه سر توحید است و در عالم آیه ای بزرگتر از آن وجود مبارک نیست پس از وجود ختمی - صلی الله علیه و آله و سلم - چنان که در حدیث شریف وارد است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹۸). و در جای دیگری هم بر این امر تاکید و تکیه دارد « که اسرار باء و نقطه تحت الباء، که در باطن مقام ولایت علوی است و مقام جمع الجمع قرآنی است، پس آن مجالی واسعتر می‌خواهد» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۴۴).

از منظر امام خمینی (س) امام علی (ع) به عنوان مصداق بارز انسان کامل و مظهر جمیع اسما و صفات خداوندی است که کسی قادر به درک و فهم آن نیست (امام خمینی (س)، ۱۳۷۶: ۲۲۱ -

امام خمینی (س) کامل ترین انسان بعد از پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع)، وجود نازنین و ملکوتی حضرت فاطمه زهرا (س) می دانند « چنان که به حسب روایات این مقامات معنوی برای حضرت زهرا (س) هم هست » (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۷۷)

ایشان در تبیین مقام حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان یک انسان کامل معتقدند « تمام ابعادی که برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا (س) جلوه کرده بود او یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا نسخه انسانیت او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی، در صورت یک زن ظاهر شده است زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست، زنی که اگر مرد بود نبی بود معنویات جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه های ملکی و ناسوتی، همه در این موجود مجتمع است از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیبت، تا فنای بر الوهیت برای صدیقه طاهره این مسائل، این معانی حاصل است » (امام خمینی (س)، ۱۳۷۶: ۱۷۸)

از دیگر سو پس از فاطمه زهرا (س) این اهل بیت عصمت و طهارت هستند که انسانهای کامل هستند امام خمینی (س) معتقد هستند که اهل بیت عصمت و طهارت دارای مقامات روحانی فوق العاده ای هستند که آن مقامات هرگز برای فردی قابل درک و تصور نیست. و این امر تا آنجا به پیش می رود که حتی عقلا نیز از درک عقلی آن عاجز بوده و عرفا و اهل طریقت هم به آن مقام راهی ندارند (امام خمینی (س)، ۱۳۸۱: ۵۵۲).

ویژگی های خداگونگی تمثیلی خلیفه الله از منظر امام خمینی (س)

حال که به صورت اجمال و اختصار با ابعاد، ویژگی ها و خصوصیات انسان کامل آشنا شدیم به بررسی ویژگیهای خداگونگی تمثیلی انسان کامل از منظر امام خمینی (ره) به عنوان بخش آخر این مقاله می پردازیم. مراد و مقصود ما از خداگونگی تمثیلی انسان کامل این نیست که العیاذ بالله انسان کامل در مقام خداوندی است، بلکه به این مفهوم معناست که انسان کامل تجلی گاه استخلاف و خلیفه خدایی بودن است و این به آن معنا و مفهوم است که مرتبت انسانی، انسان کامل تا آنجا گسترش می یابد که تجلی گاه خلافت خدایی می گردد، انسان کامل و ویژگی خداگونگی آن در واقع تصویر تام و تمامی از وجود باری تعالی برای خلائق و هستی است تا جایی که می توان او را محل بروز و ظهور مشیت خداوند بر جهان دانست از این رو کل عالم فرمانبردار فرمان وجودی او می گردند و او قادر است و این توانایی را دارد که هر نوع دخل و تصرفی را در جهان و هر آنچه در آن هست را به اذن الهی داشته باشد. در اینجا به مقتضای بحث به پاره ای از این ویژگیها از منظر امام خمینی (ره) اشاره می نمایم.

خلیفه الله، مظهر اسم اعظم الهی

اولین ویژگی خداگونگی تمثیلی انسان کامل این است که او مظهر اسم اعظم الهی است. اسم اعظمی که خداوند متعال انسان کامل را به آن اسم تربیت نموده و هر کمالی را که به او رسانده است به واسطه آن اسم بوده است. از این روست که از منظر امام خمینی (س) اسم اعظم مبین اموری است که با فیض اقدس در ارتباط دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۷). از منظر امام خمینی (س) اسم اعظم عین ثابت انسان کامل در میان جمیع اعیان ثابته عالم وجود است. از این رو انسان کامل مظهر تامیت الهی است ((تمامی اسماء الله دارای مظهر خاص خودند و عین ثابت هر یک معین و مشخص است. در این میان، اولین ویژگی انسان کامل به حسب مراتب وجودی، مظهریت او برای اسم الله اعظم می باشد که عین ثابت او در میان تمامی اعیان ثابته عالم وجود، برای این امر برگزیده شده و این شایستگی به او اعطا شده است. آدم مظهر تام الهی و اسم اعظم حق جل و علاست. اول اسمی که به تجلی احدیت و فیض اقدس در حضرت علمیه و احدیه ظهور یابد و مرآت آن تجلی گردد، اسم اعظم جامع الهی است (امام خمینی (س)، ۱۳۷۱: ۶۳۴). از منظر امام خمینی (س) از آنجایی که انسان کامل دارای اسم اعظم است پس مظهر تامه خداوند است « بنابراین، انسان کامل هم مظهر اسم تامه خداوند و هم اولین مظهر است. اسم اعظم الله، امام و سایر اسما می باشد و نسبت به آنان در مقام و مرتبه اعلا قرار دارد. عین ثابت انسان کامل مظهر چنین اسمی است. به همین دلیل، اعیان دیگر موجودات جهان خلقت در ظل و تحت عین انسان کامل قرار می گیرند. این سروری هم در عالم اعیان و هم در عالم خارج نسبت به دیگر اعیان وجود دارد. همه موجودات دایره هستی، مظاهر جلال و جمال انسان کامل هستند» (امام خمینی (س)، ۱۳۷۱: ۳۳۸). اهمیت و ارزش اسم اعظم تا آنجاست که امام خمینی (س) از میان همه خلایق و موجودات تنها انسان کامل را واجد این شایستگی می داند که آن را دارا باشد (امام خمینی (س)، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

امام خمینی (س) انسان کامل را حقیقت عینی اسم اعظم در جهان آفرینش می داند « اما اسم اعظم به حسب حقیقت عینی عبارت است از انسان کامل که خلیفه الهی در عالم آفرینش و حقیقت محمدی است که با عین ثابت خود در مقام الهیت با اسم اعظم متحد است و اعیان دیگر بلکه اسمای دیگر الهی همه از تجلیات همین حقیقت محمدی هستند پس اعیان ثابته عین اسمای الهی هستند و عین ثابت حقیقت محمدی عین اسم شریف الله یعنی اسم اعظم است و سایر اسما وصفات و اعیان ثابته از مظاهر و فروع او هستند پس حقیقت محمدی مهمان حقیقتی است که در تمام عالم از عقل تا به هیولای عالم تجلی کرده و همه عوالم ظهورات و تجلیات او هستند چنان که امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: *أنا اللّوح أنا القلم، أنا العرش، أنا الكرسي، أنا السموات السبع، أنا نقطة باء بسم*

الله» (امام خمینی (س)، ۱۳۶۸: ۱۹۳).

از این روست که مقام ولایت را که از مهم ترین مقامات الهی است در ارتباط با اسم اعظم می‌داند و این اسم اعظم را سبب و علت برتری و قداست انسان کامل بر جمیع موجودات او بر می‌شمرد (امام خمینی (س)، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

خلیفه الله، آئینه تجلی اراده خداوند

از دیگر ویژگی‌های خداگونه انسان کامل می‌توان به آئینه تجلی اراده خداوند بودن او اشاره کرد. باید توجه داشت که این آئینه بودن انسان کامل از جمله مباحثی است که در همواره در مباحث عرفانی در ذیل بحث جایگاه انسان کامل در هستی همواره مطرح بوده است، بر این اساس است که عرفا برای انسان کامل نوعی مراثیت «آئینه بودن» قائل هستند. اگرچه این بحث مراثیت فقط و فقط منحصر و محدود به انسان کامل نیست، بلکه اشکال گوناگون و ناقص آن را می‌توان در هریک از موجودات هستی و حتی هریک از انسانها دید و مثال زد چرا که هریک از موجودات آئینه ای از جمال و کمال خداوند هستند به نحوی که هر موجودی به میزان استعداد و قابلیت که دارد می‌تواند منعکس کننده جلوه ای از جلوه‌های انوار حق باشد ولی انسان کامل جلوه مطلق و کامل این انعکاس در میان تمام موجودات و انسانهاست امام خمینی (س) در این باره قائل بر این هستند « هنگامی که حب ذاتی به شهود ذاتی در آینه صفات تعلق گرفت، عالم صفات را ظاهر ساخت و به تجلی ذاتی در حضرت واحدیت، در مرآت جامع ظاهر شد سپس در آینه‌های دیگر به میزان استحقاق و استعدادشان تجلی نمود و پس از آن، حب الهی به رؤیت خویش در عین تعلق گرفت سپس در مرآئی خلقیه از پس حجاب‌های اسمائیه تجلی کرد سپس عالم‌ها را با ترتیبی منظم ظاهر نمود و در آینه‌ای کامل‌تر و بزرگ‌تر، با اسم اعظم و در آینه‌های دیگر به اسم‌های دیگر تجلی نمود» (امام خمینی (س)، ۱۳۸۶: ۴۴).

بنابراین از منظر امام خمینی (س) هرچیزی به میزان استعداد و قابلیت خود، می‌تواند آئینه خداوندی باشد ولی این انسان کامل است که می‌تواند مرتبه حقیقی و کامل این امر باشد (امام خمینی (س)، ۱۳۸۶: ۵۱).

به تعبیر دیگر می‌توان این گونه بیان کرد که خداوند متعال در آئینه تمام نمای انسان کامل تجلی پیدا می‌نماید، که این خود مبین جایگاه رفیع و باعظمت انسان کامل و دلیلی دیگر بر اطلاق خداگونگی تمثیلی بر اوست. از منظر امام خمینی (س) انسان کامل همانند آئینه ای دو چهره است که در یک وجه آن، اسما و صفات الهی ظهور و تجلی می‌یابند و در وجه دیگر آن، همگی حقایق عالم با تمام اوصاف و کمالات وجودی شان ظهور و بروز پیدا می‌کند «انسان کامل همچنان که آئینه

حق نماست و خدای سبحان ذات خود را در آن مشاهده می‌کند، آینه شهود تمام عالم هستی نیز می‌باشد» (امام خمینی(س)، ۱۴۱۰: ۵۹).

از این روست که امام خمینی(س) انسان کامل را کلید معرفت الهی و بزرگترین نشانه و آیت خداوندی بر می‌شمرد (امام خمینی(س)، ۱۴۰۲: ۱۲۵)

تجلی ولایت خلیفه الهی

حضرت امام خمینی (س) می‌فرماید: «با همین تجلی بود که کمّلین از اولیاء خدا اسماء و صفات و لوازم آنها و لوازم لوازم آنها را تا آخرین مرتبه وجود مشاهده نمودند و اعیان ثابتة همه حقایق و هویات را دیدند، و البته تجلی به بعضی از اسماء بر تجلی اسم دیگر مقدم بود. پس ابتداءً به اسماء محیطی تجلی کرد و در حجاب آن اسم محیط به اسم محاط تجلی نمود. پس اسم «الله» و اسم «الرحمن» چون به دیگر اسماء احاطه داشتند، تجلی برای دیگر اسماء به واسطه آن دو اسم شد و این یکی از اسرار سبقت رحمت حق بر غضب است، و تجلی به اسم «الله» اولاً بر سایر اسماء، و به توسط اسم «الله» بر دیگر اسماء؛ ثانیاً بر اعیان ثابتة تجلی شد و بر اعیان خارجی برای بار سوم تجلی شد، در تجلی بر انسان کامل با اسم «الله» بود، بدون این که اسمی از اسماء و یا صفتی از صفات واسطه باشد، و چون آدم (ع) مظهر اسم الله اعظم بود، لیاقت خلافت را در همه عوالم به دست آورد. (امام خمینی، ۱۳۵۹، ۱۴۳)

مهم ترین ویژگی انسان کامل که از آن می‌توان خدا گونگی تمثیلی را استنباط کرد، خلیفه الهی بودن است. در واقع خداگرایی تمثیلی یعنی همین خلیفه الهی بودن، یعنی انسان کامل اگرچه خدا نیست و در جایگاه او قرار ندارد، بلکه به سبب استخلاف و خلیفه الهی بودن بر روی زمین واجد ویژگی‌های و شرایطی است که می‌توان آن را تعبیر به نوعی خدا گونگی کرد. از منظر اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی، جهان و هر آنچه در آن است تحت اراده انسان کامل است و در واقع انسان کامل خلیفه خداوند بر روی زمین است. آیت الله جوادی املی در این باره بیان می‌دارند «انسان کامل به دلیل برخوردارگی از خلافت و ولایت الهی، با عالم و آدم معیت دارد؛ زیرا احاطه قیومی به حقایق عالم از خواص و آثار ولایت است پس جهان هستی با معیت قیومی انسان کامل قائم و دائم است؛ زیرا انسان کامل مظهر معیت قیومی حق سبحانه است، بدین بیان که یکی از خواص وحدت ذاتی، معیت قیومی با کثرات است و از باب حضور همه چیز در نزد او و احاطه قیومی وی بر همه اشیاء هیچ چیز از دید او پنهان نیست نه تنها علم او به هستی تعلق می‌گیرد، بلکه تمام مراتب و مشاهده وجودی، درجات علم اویند به همین دلیل کلیه اشیاء مراتب سمع، بصر، اراده و قدرت او هستند» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۶۹). امام خمینی(س) نیز همچون عرفای پیشین قائل به خلافت

انسان کامل در جهان هستی هستند (امام خمینی (س)، ۱۳۷۶: ۱۹۷ - ۱۹۹)

بر این اساس، از منظر ایشان انسان کامل به دلیل اینکه این که مظهر جمیع اسما و صفات خداوند است، می تواند مظهر قیومیت و خلافت خداوند نیز باشد (امام خمینی (س)، ۱۳۸۶: ۱۹۶). و این خلافت از منظر امام خمینی (س) آنچنان عظیم و گسترده است که حتی فرشتگان و ملائک مقرب نیز از داشتن این چنین اختیاری فارغ هستند و فقط و فقط این امر اختصاص به انسان کامل دارد. حضرت امام خمینی (س) در این زمینه بیان می دارد، خدای سبحان به مقتضای اسم (کل یوم هو فی شأن) (رحمن: ۲۹) در هر آن، شأن خاصی دارد و ممکن نیست که با همه شئون خود تجلی کند مگر بر انسان کامل، زیرا هر موجود دیگر از موجودات دیگر عالم مانند عالم عقول مجرده، فرشتگان مهیمن، نفوس کلیه و ملائکه مدبر و سایر مراتب آنها هر کدام مقام محمود و مشخص وجود دارد که امکان گذر از آن را ندارد اما یثرب انسانی و مدینه نبوت در هیچ مقام خاصی توقف ندارد از این رو، حاصل ولایت مطلقه علوی گردیده که تمام شئون الهی می باشد و سزاوار خلافت کبرای حق است بدون تردید حفظ همه عوالم و استقرار در مقام جمع و تفصیل و وحدت و کثرت از بالاترین مراتب انسانی و کامل ترین مراحل سیر آن است که حقیقت آن برای هیچ یک از اهل سلوک میسر نیست مگر برای وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) و اولیای الهی (ع) که از مشکات او معرفت و نور دریافت نموده و از مصباح ذات و صفات او جان خود را روشن کرده باشد (امام خمینی (س)، ۱۴۱۰: ۳۳۲).

از منظر امام خمینی (س) این خلافت انسان کامل نشانه و جلوه ای از خلافت کبرای خداوند است « هویت غیبی احدی در چنان غیبی مستور است که هیچ گونه اسم و رسمی ندارد و از آن در اصطلاح اهل معنا به عنقای مغرب» یاد شده است و بنابراین معروف هیچ عارفی و معبود هیچ عابدی قرار نمی گیرد تا چه رسد به افراد پایین تر از آنان از این رو، اشرف مخلوقات درباره او گفته است: ما عرفناک حق معرفتک و ما عبدناک حق عبادتک برای این هویت غیبی خلیفه های لازم است که از جانب آن در اظهار اسما و انعکاس نورش در آینه اسمایی خلافت کند باید توجه داشت که این خلافت بزرگترین شئون الهی و کریم ترین مقامات ربوبی است (همان، ۳۷۱).

از این رو خلافت انسان کامل می تواند یکی از مهم ترین شواهد و دلایل بر خداگونگی تمثیل او در جهان هستی باشد.

نتیجه گیری:

حضرت امام خمینی (س) را می توان یکی از صاحب نظران و مدعیان در بحث خلیفه الله دانست. از منظر ایشان انسان کامل اتم و اکمل مخلوقات خداوند است که به همین دلیل دارای ارزش و

اعتبار ویژه ای در جهان هستی است که همین سبب شده است تا انسان کامل به عنوان نماینده و خلیفه خداوند در جهان هستی دارای اختیارات و امتیازاتی باشد که فراتر از درک و تصور بشری است.

با توجه به آنچه بحث شد می‌توان این گونه نتیجه گرفت که از دیدگاه عرفا و اندیشمندان عرصه عرفان خلیفه الله مبین و متجلی کننده تمام اسما و صفات الهی است و در عالم به مثابه حلقه اتصال عمل می‌کند یعنی حلقه اتصال بین فیوضیات الهی و بندگان است، از سوی دیگر غایت آفرینش است یعنی تمام هدف اساس آفرینش در خلقت او متبلور و متجلی می‌گردد. امام خمینی (س) انسان کامل را آئینه شهود خداوند بیان می‌کند و او را همچون آئینه ای می‌داند که انوار و رحمت الهی را از خود ساطع و بروز می‌دهد. از سوی دیگر وجود انسان کامل را در جهان به علت لطف الهی بر بندگان بر می‌شمرد از این رو وجود انسان کامل در جهان و هستی لازمیت می‌یابد.

از مهم ترین ویژگیهای شخصیتی انسان کامل از منظر حضرت امام خمینی (س) می‌توان به سیر و سلوک او اشاره کرد که اسفار اربعه و موارد مربوط به آن را شامل می‌گردد. امام خمینی (س) مقامات انسان کامل را جمیع مراتب الهی می‌داند که می‌تواند بر انسان صدق نماید. از منظر ایشان مصادیق انسان کامل پیامبر مکرم اسلام (ص)، امیرالمومنین علی (ع)، حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه معصومین (ع) و اولیای الهی هستند. از جمیع نظرات و اندیشه حضرت امام خمینی (س) در باره انسان کامل می‌توان چنین برداشت و استنباط کرد که انسان کامل دارای سه ویژگی است که برای او خداگونگی تمثیلی را به ارمغان می‌آورد اول اینکه مظهر اسم اعظم الهی است، دوم اینکه آئینه تجلی اراده و مشیت خداوند است، و مورد سوم از همه مهمتر اینکه خلیفه الهی است.

بر همین مبنا می‌توان از این ویژگی‌های منحصر به فرد و خارق العاده انسان کامل به خداگونگی تمثیلی استنباط و استخراج کرد. به این مفهوم که انسان کامل در عین اینکه خداوند نیست و در جایگاه او قرار نگرفته است ولی به واسطه اینکه مخلوق کامل و تمام خداوند است که فیضیت و رحمانیت خداوند در او ساری و جاری است، از این رو در جهان هستی دارای نوعی از اختیارات وسیع و گسترده ای است که آن را می‌توان تمثیل و مثالی از اختیارات خداوند در این عالم دانست و آن را تجلی ولایت خلیفه الله بیان کرد.

- ۱- ابن ترکه، صائن الدين على بن محمد، (۱۳۶۰)، تمهيد القواعد، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۲- ابن عربي، محيي الدين، (۱۳۷۰ش)، عقله المستوفز، تهران: چاپ لندن.
- ۳- اردبيلي، سيد عبدالغني، (۱۳۸۱)، تقريرات فلسفه امام خميني(ره)، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره).
- ۴- ارزگاني، محمد امين، (۱۳۸۳)، انسان كامل از نگاه امام خميني (ره) و عارفان مسلمان، قم: موسسه بوستان كتاب.
- ۵- آشتياني، سيد جلال الدين، (۱۳۷۰)، شرح مقدمه قيصرى، تهران: اميركبير
- ۶- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۶۸)، تعليقات على شرح فصوص الحكم، قم: دفتر، تبليغات اسلامي.
- ۷- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۶۸)، مصباح الهداية الى الخلافة والولاية، تهران: نشر پيام آزادي.
- ۸- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۷۰)، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
- ۹- امام خميني (ره)، روح الله، (۱۳۷۱)، شرح چهل حديث، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
- ۱۰- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۷۲)، جهاد اكبر، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره).
- ۱۱- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۷۶)، شرح دعای سحر، امام خميني(ره)، تهران: انتشارات فيض كاشاني.
- ۱۲- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۷۷)، شرح حديث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
- ۱۳- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۷۸)، صحيفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
- ۱۴- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۸۱)، شرح چهل حديث، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره).
- ۱۵- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۸۲)، شرح چهل حديث، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره).
- ۱۶- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۳۸۶) مصباح الهداية الى الخلافة والولاية، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
- ۱۷- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۴۰۲ق)، شرح دعای سحر، بيروت: مؤسسه الوفا.
- ۱۸- امام خميني(ره)، روح الله، (۱۴۱۰ق)، تعليقات على شرح فصوص الحكم و مصباح الانس، قم: انتشارات پاسدار اسلام.
- ۱۹- آملی، سيدحيدر بن على، (۱۳۸۱)، جلوه دلدار، ترجمه جامع الاسرارومنيع الانوار، مترجم، سيد يوسف ابراهيميان آملی ۱۳۹۵، قم، انتشارات قائم آل محمد (ص)

Archive of SID

- ۲۰- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۰)، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۱- جندی، مؤید الدین محمود، (۱۳۸۱)، شرح فصوص الحکم ابن عربی قم: بوستان کتاب.
- ۲۲- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲)، تحریر تمهید القواعد، تهران: انتشارات الزهراء.
- ۲۳- جیلی، عبدالکریم، (۱۳۹۲)، الانسان الكامل فی معرفه الاواخر والاولیل، بیروت: دارالفکر.
- ۲۴- حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۷۲)، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات قیام.
- ۲۵- حسینی شاهرودی، مرتضی، (۱۳۸۹)، آشنایی با عرفان اسلامی، مشهد: آفتاب دانش.
- ۲۶- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۰)، رسائل توحیدی، تهران: انتشارات الزهراء (س).
- ۲۷- عیفی، ابوالعلاء، (۱۳۷۰)، شرح فصوص الحکم، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۲۸- قیصری رومی، محمد داوود، (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۹- لاندیمان مایکل، (۱۳۵۰)، انسان‌شناسی فلسفی، ترجمه دکتر رامپور صدر نبوی، مشهد: انتشارات خانه طوس.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۰۹ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: الوفاء.
- ۳۱- نسفی، عزیزالدین، (۱۳۵۰)، انسان کامل، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- ۳۲- همدانی، عبدالصمد بن محمد حسین، (۱۳۷۰)، بحر المعارف، تهران: انتشارات حکمت.

Manifestation of Velayat in God's Substitution from Imam Khomeini's Mystical Viewpoint

Salamullah Kazemkhani¹, Khosrow Zafarnavae,[‡]

Abstract

According to the mystical attitude, a perfect man is the overall reflection of the Almighty and is an evidence for a perfect creature who manifests the willing of the inner, attributive, and active intuition of God, and in fact it manifests the divine attributes and qualities.

That is why it implies that a perfect man is literally analogous to the divinity of God, in a sense and concept that though it is not God and lacks the dignity and power of God, due to the divine role as a substitution of God on earth, he possesses pure outstanding positions that makes him entitled to be called the decent substitution of God in the universe.

This paper is based on the assumption that from Imam Khomeini's standpoint, one can comprehend and extract an allegorical divinity for a perfect man in the world through which the perfect man can deal with the worldly affairs. Accordingly, to arrive at this point, it is necessary at first to have a discussion of the matter briefly from the standpoints of mystics and Islamic intellectuals and then present and explain Imam Khomeini's thoughts respectively.

Keywords: *Will, Imam Khomeini, Perfect Man, involvement, God's grace*

¹. *PhD Student, Islamic Mysticism and Imam Khomeini's Thoughts, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran.*

[‡]. *Assistant Professor, Islamic Mysticism and Imam Khomeini's Thoughts, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran, Corresponding Author. zafarnavaei@gmail.com*